

بحران لیر و چشم انداز اقتصاد ترکیه از دید اندیشکده‌های آن کشور

ترکیه در ماه‌های گذشته با معضله‌های جدی اقتصادی مانند تورم افسارگسیخته و کاهش معنی دار ارزش پول مواجه بوده تا جایی که لیر در ماه‌های اخیر نزدیک به ۵۰ درصد ارزش خود را از دست داده و تأثیرات تورمی شدیدی بر اقتصاد ترکیه داشته‌است.

کاهش ارزش لیر افزون‌بر این که قابلیت تأثیرگذاری بر امور سیاسی ترکیه و منطقه را دارد، از نقطه‌نظر اقتصادی نیز برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. کاهش ارزش لیر رقابت‌پذیری کالاهای ترکیه‌ای را در برابر کالاهای ایرانی (بویژه پوشاک) افزایش داده و درعین حال سفر به این کشور را برای اتباع ایرانی جذاب‌تر کرده و از سوی دیگر قدرت خرید شهروندان ایرانی را در بازار املاک و مستغلات ترکیه افزایش داده‌است. از این رو بررسی ابعاد مختلف موضوع بحران لیر و تأثیرهای اقتصادی آن، برای اتخاذ رویکردی عالمانه و کارشناسی در مواجهه با همسایه غربی کشورمان ضروری است.

از این جهت در این نوشتار به تبیین رویکرد اندیشکده‌های همسو با اردوغان به موضوع بحران لیر و همچنین اندیشکده‌های منتقد و چشم‌انداز اقتصاد ترکیه پرداخته خواهد شد. در نهایت نگرش یکی از محافل تحلیلی-رسانه‌ای ترکیه به این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



اندیشکده‌های همسو با حکومت

فرصت‌های برنامه اقتصادی جدید

«ابراهیم گوران یوموشاک» در نشریه «کریتر» (Kriter) متعلق به اندیشکده «ستا» (وابسته به حکومت) مقاله‌ای^۱ در ارتباط با فرصت‌ها و تهدیدهای برنامه اقتصادی جدید حکومت نگاشته‌است. در اینجا مراد از برنامه جدید، توسعه مبتنی بر رشد صادرات است که در آن نرخ بهره کاهش می‌یابد و ارزش پول ملی به صورت عامدانه پایین نگه داشته می‌شود.

او معتقد است که کاهش ارزش لیر می‌تواند کالاهای ترکیه را در عرصه بین‌المللی رقابتی‌تر کرده و به کاهش تراز تجاری منفی این کشور کمک کند. این وضعیت می‌تواند به ورود قابل توجه منابع ارزی خارجی منجر شده و در نهایت به واسطه نرخ بهره پایین منجر به افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال و همچنین در نهایت به کاهش تورم منجر شود.

یوموشاک معتقد است از دهه ۱۹۸۰ تاکنون که دولت کنترل خود را بر ورود و خروج سرمایه حذف کرده (و اقتصاد ترکیه در عمل سیاست‌های بازار آزاد را اجرایی می‌کند) اقتصاد ترکیه کوشیده تراز تجاری منفی خود را از طریق ورود سرمایه خارجی جبران کند. این مدل توسعه، ترکیه را به سوی توسعه مبتنی بر تراز تجاری منفی سوق داده‌است.

چنین وضعیتی در دوره‌هایی که ورود سرمایه خارجی به ترکیه کاهش یافته منجر به بروز بحران‌های اقتصادی شده؛ بحران سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱ از آن جمله است.

یوموشاک مدعی است اگرچه حزب عدالت و توسعه توانست بحران اقتصادی سال ۲۰۰۱ را برطرف و بدهی‌های کلان ترکیه را پرداخت کند با این حال نقطه ضعف ترکیه در زمینه جبران تراز تجاری منفی از طریق ورود منابع خارجی همچنان باقی ماند و با افزایش تنش‌های ترکیه با قدرت‌های غربی، این کشورها از نقطه ضعف ترکیه سود جسته و به بی‌ثباتی در بازارهای مالی ترکیه دامن زدند.

نخستین و جدی‌ترین مثال مربوط به زندانی شدن راهب آمریکایی «برانسون» است که با مقاومت اردوغان در قبال آزادی‌اش، دلار آمریکا در سال ۲۰۱۸ از ۳٫۷ لیر به ۸٫۷ لیر رسید. نویسنده علاقه‌مند است نشان دهد که مدل مورد نظر حکومت راهکاری برای از بین بردن نقطه ضعف ترکیه در زمینه وابستگی به ورود منابع ارزی خارجی به منظور مدیریت و رفع عوارض تراز تجاری منفی است. مدلی که در آن به جای افزایش نرخ بهره، به سمت کاهش آن حرکت می‌شود و در نهایت می‌تواند همزمان با افزایش تولید و صادرات، تورم را کاهش داده و تراز تجاری منفی را از میان بردارد.

در واقع مدل مورد نظر اردوغان برخلاف دیدگاه‌های غالب در عرصه اقتصاد به‌جای اولویت‌دهی به کنترل تورم، به سمت افزایش تولید و صادرات حرکت می‌کند. نویسنده معتقد است با وجود آن که در حال حاضر ورود سرمایه

^۱ <https://kriterdergi.com/ekonomi/turkiyenin-yeni-ekonomi-programi-firsatlar-ve-tehditler>

خارجی به ترکیه کاهش یافته، به دلیل افزایش تقاضا در اقتصاد جهانی در دوران پسا کرونا، بخت این مدل اقتصادی زیاد است.

حکومت برای تقویت برنامه اقتصادی جدید خود به دنبال تشویق شهروندان به تبدیل حساب‌های ارزی و نیز ذخایر طلای خود به لیر بوده است. در همین راستا حکومت در قانونی جدید وعده حفظ ارزش دلاری حساب‌های خاص مبتنی بر لیر را داده است. یوموشاک با تجلیل از این رویکرد، فروش ارزهای خارجی توسط شهروندان را عامل کنترل قیمت ارزهای خارجی و نیز عامل افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی می‌داند. یوموشاک معتقد است در برنامه اقتصادی جدید اگرچه برای افزایش رقابت‌پذیری در عرصه جهانی ارزش لیر کاهش یافته اما این کاهش ارزش به معنای تأیید نوسان‌های دائمی در نرخ ارزهای خارجی نیست.

به گفته نویسندگان، برنامه دولت برای کنترل نرخ ارز تا حدودی جواب داده و پس از اعلام تضمین حفظ ارزش دلاری حساب‌های مبتنی بر لیر، حساب‌های ارزی شهروندان ترکیه در بانک‌های داخل کشور در عرض یک هفته از ۱۶۹ میلیارد دلار به ۱۶۲ میلیارد لیر کاهش یافت و در همین مدت دارایی حساب‌های مبتنی بر لیر (که ضمانت حفظ ارزش دلاری آن‌ها داده شده) به ۵۱ میلیارد لیر رسید. باید یادآور شد، مدل حساب‌های مبتنی بر لیر که دارای ضمانت حفظ ارزش دلاری هستند، مدلی جدید نیست و در دوران جنگ سرد در ترکیه به کار گرفته شده است. این روش در آن دوران نتیجه چندان مطلوبی به بار نیاورده و در نهایت به افزایش شدید بدهی‌های دولت و پیش رفتن آن تا مرز ورشکستگی منجر شد زیرا چنین مدلی قادر به کنترل نرخ ارز نبود.

نویسندگان بر لزوم کنترل تورم و همچنین ثبات نرخ ارزهای خارجی تأکید دارد اما راه‌حل عملی چندان برای رسیدن به این هدف ارائه نمی‌دهد. تجربه جهان نشان داده افزایش نرخ بهره در دسترس‌ترین وسیله در کوتاه‌مدت برای کنترل تورم است. اقدامی که در محافل نزدیک به حکومت در ترکیه به شدت با آن مخالفت می‌شود. اردوغان و برخی سران حزب عدالت و توسعه در توجیه مخالفت با افزایش نرخ بهره از استدلال‌های دینی در زمینه مخالفت با ربا استفاده می‌کنند.

توسعه صادرات محور

مطلب دیگری در نشریه کریتر^۲ به موضوع توسعه صادرات محور پرداخته و مدعی شده که حکومت عدالت و توسعه در دو دهه گذشته همه زیرساخت‌های لازم برای تحولی بزرگ در عرصه اقتصاد را فراهم کرده و امروز ترکیه می‌تواند به سمت حرکتی انقلابی در مسیر توسعه مبتنی بر صادرات حرکت کند. در اندیشه‌های نزدیک

^۲ <https://kriterdergi.com/yazar/ihsanaktas/uretim-ekonomisi-turkiye-devrimine-donusebilir-mi-1>

به حکومت رکوردهای مربوط به صادرات و نیز میزان توسعه اقتصادی ترکیه در ماه‌های گذشته به شدت مورد توجه است اما نکته‌ای که در این میان نادیده گرفته شده اینکه، به دلیل کاهش شدید ارزش لیر، حجم اقتصاد ترکیه به نسبت با دیگر کشورهای گروه ۲۰ در حال کوچکتر شدن است، اگرچه این کشور در زمینه افزایش رشد اقتصادی و میزان صادرات دستاوردهایی داشته‌است.

برخی در توجیه افزایش شدید قیمت‌ها در یک سال اخیر بر موضوع افزایش نرخ تورم در سطح جهانی و نیز افزایش جهانی قیمت انرژی اشاره می‌کنند. درحالی‌که بر کمتر ناظری پوشیده‌است که اصرار بر دیدگاه‌های غیرعلمی مانند کاهش نرخ بهره به منظور کاهش تورم و نیز پیروی نکردن از قواعد انضباطی مالی در عرصه حکمرانی بخش بسیار مهمی از عوامل افزایش نرخ تورم در ترکیه بوده‌اند. برخی در ماه‌های گذشته استدلال می‌کردند بانک مرکزی ترکیه به دلیل این‌که عامل اساسی تورم را در افزایش قیمت جهانی انرژی و مواد غذایی می‌دانست در نتیجه لزومی برای افزایش نرخ بهره و حتی کاهش نیافتن آن به منظور مقابله با تورم را احساس نمی‌کرد؛ تا جایی که در گزارش‌های موسسه «ستا» بر نرخ فزاینده تورم جهانی در عرصه خوراکی و مواد غذایی اشاره شده بود و در آن نرخ جهانی تورم مواد غذایی در حدود ۳۰ درصد برآورد می‌شد.

هدف اصلی از تاکید بر تورم جهانی در این میان، کم‌اثر جلوه‌دادن بی‌کفایتی و ناکارآمدی حکومت و همین‌طور کاهش‌های متوالی در نرخ بهره در شکل‌گیری تورم در ماه‌های گذشته است. اما رد این استدلال، زمانی مشخص شد که اصرار اردوغان به کاهش نرخ بهره به جهش بی‌سابقه قیمت ارزهای خارجی در ترکیه منجر شد و پیرو آن تورم ماهانه در این کشور (که پیش از آن در مرز ۲۰ درصد قرار داشت) از ۳۰ درصد نیز فراتر رفت. البته این آمار با تکیه بر داده‌های سازمان آمار ترکیه ارائه می‌شود که کارشناسان در صحت و سقم آن‌ها دچار تردیدند زیرا آمار ارائه‌شده از جانب این نهاد را در راستای خدمت به اهداف حکومت تحلیل می‌کنند.



اندیشکده ستا در گزارش‌های خود، راهکار افزایش دستمزدها و حقوق کارکنان دولت برای مقابله با تاثیرات تورم را ارائه کرده‌بود. راهکاری که به‌تازگی حکومت نسبت به اجرایی کردن آن اقدام کرده‌است. حکومت، هم حقوق حداقلی (۵۰ درصد) و هم حقوق کارکنان خود (۳۰ درصد) را افزایش داد. با این حال با توجه به روند تورم موجود در ترکیه این افزایش دریافتی‌ها تا چند ماه آینده بی‌اثر خواهد‌شد. افزون بر این سیاست افزایش دستمزدها در برابر تورم، خود در نهایت به افزایش تورم دامن می‌زند. برخی متفکران منصف در میان اندیشکده‌های نزدیک به حکومت به این موضوع اعتراف کرده‌اند.

«بلال باغیش» دیگر نویسنده نشریه «کریتر»، مانند بسیاری از همکاران خود معتقد است که ترکیه برای مقابله با تراز تجاری منفی در راستای توسعه صادرات محور حرکت می‌کند.^۳ درحالی‌که پیشتر بر تقاضای داخلی تکیه می‌کرد و به همین دلیل گرفتار موضوع تراز تجاری منفی است. اما این استدلال قابل شبهه و خدشه است زیرا سیاست اخیر اردوغان در زمینه کاهش نرخ بهره با اهداف انتخاباتی نیز صورت گرفته است.

ترکیه در سال ۲۰۲۳ انتخابات ریاست جمهوری و مجلس را به‌طور همزمان برگزار خواهد کرد و حتی احتمال آن وجود دارد که این انتخابات زودتر از موعد مقرر برگزار شود. حکومت با سیاست پولی خود نشان داده که به دنبال افزایش حجم اعتبارات و تزریق پول در ماه‌های آینده است تا از این مسیر تقاضای داخلی و نوعی از رونق اقتصادی را تحریک و از این راه اهداف انتخاباتی خود را دنبال کند.

^۳ <https://kriterdergi.com/yeni-yil-yeni-model-ve-yeni-bir-hikaye>

محافل طرفدار حکومت با استناد به مدل توسعه مبتنی بر صادرات مدعی‌اند رشد اقتصادی ترکیه در سال ۲۰۲۲ دو رقمی خواهد بود. آن‌ها بر این باورند حجم صادرات ترکیه که در سال ۲۰۲۱ بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار بود در سال جاری میلادی نیز به واسطه افزایش تقاضای جهانی در دوران پساکرونا بی افزایش یابد.

برخی از محافل نزدیک به حکومت مانند بلال باغیش معتقدند حکومت در ماه‌های گذشته از اهداف خود برای کنترل تورم دست شسته و بر افزایش صادرات، تولید و اشتغال تمرکز کرده اما آسیب‌زایی چنین رویکردی در آن جا نهفته است که اقتصاد ترکیه نیازمند منابع مالی خارجی (چه استقراضی و چه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی) است و با کاهش ارزش لیر، بدهی دولت، شرکت‌ها و فعالان اقتصادی ترکیه که از اعتبارات خارجی استفاده می‌کنند نیز افزایش می‌یابد و در نهایت بار مالی شهروندان و کلیت اقتصاد ترکیه را افزایش می‌دهد.

اندیشکده‌های منتقد حکومت

در یکی از گزارش‌های تحلیلی اندیشکده «عنقا» (Anka) با قلم «مته دورداغ» آمده^۴: با کاهش نرخ بهره و افزایش نرخ ارز و صعود تورم، ترکیه وارد بحرانی اقتصادی شده است. گزارش استدلال مقام‌های حزب عدالت و توسعه در این زمینه که قدرت‌های خارجی و عوامل آن‌ها در داخل در کاهش ارزش لیر موثر بوده‌اند را یادآور می‌شود و اضافه می‌کند از دید مقام‌های حکومتی، هدف از چنین کاری واداشتن ترکیه به استقراض از صندوق بین‌المللی پول و در نهایت هماهنگ ساختن سیاست‌های خاورمیانه‌ای آن با قدرت‌های خارجی (غربی) است.

نویسنده با لحنی آمیخته با طنز ضمن رد چنین ادعایی زیر پا نهاده‌شدن قوانین بنیادی اقتصادی را عامل بروز تورم افسارگسیخته و کاهش همزمان ارزش لیر می‌داند. وی که با رویکرد اقتصادی بازار آزاد به موضوع می‌نگرد معتقد است اقتصاد کشورهایی مانند شوروی کمونیستی به دلیل تطابق نداشتن سیاست‌های اقتصاد کلان آن‌ها با قوانین برتر اقتصاد محکوم به فروپاشی بود.

دورداغ معتقد است هر کشوری که قوانین برتر اقتصاد یعنی اقتصاد بازار را پذیرفته، در نهایت روش‌های مختلفی برای رسیدن به اهداف بلندمدت اقتصادی و اجتماعی خود یافته‌است. برنامه‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و برنامه‌های اتحادیه اروپا از جمله برنامه‌هایی هستند که در راستای همان قوانین برتر عرصه اقتصاد تدوین شده‌اند.

قوانین برتر اقتصادی

نویسنده به وجود هماهنگی میان نهادهای مالی و اقتصادی ترکیه در مدیریت اقتصاد کلان این کشور مانند سازمان برنامه دولت، وزارت اقتصاد، خزانه و همین‌طور بانک مرکزی، پیش از شکل‌گیری سیستم ریاستی اشاره

^۴ <http://ankaenstitusu.com/evet-faiz-doviz-kuru-enflasyon-sarmali-ust-akildis-gucler-isidir/>

می‌کند. پیش از سیطره نظام ریاستی بر ترکیه، نهادهای اقتصادی اشاره‌شده با همکاری هم به‌دنبال ایجاد نظم مالی در اقتصاد این کشور بودند اما با تغییر نظام حکومتی به مدل ریاستی مدیریت اقتصاد کلان به طور کامل در اختیار رئیس‌جمهوری قرار گرفت و نهادهای مالی و اقتصادی نامبرده به طور صرف تبدیل به مجری فرمان‌ها و دستورات رئیس‌جمهوری و نهاد ریاست‌جمهوری شدند.

حکومت در سال‌های گذشته پایبندی چندانی به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نشان نداده و در زمینه مدیریت منابع مالی و نظم پیش‌بینی شده خود را متعهد ندانسته که ریخت‌وپاش‌ها و هزینه‌های بدون حساب و کتاب نهاد ریاست‌جمهوری در سال‌های گذشته از آن جمله است.



نویسنده گزارش با برشمردن معضله‌های اقتصادی ترکیه مانند وابستگی به واردات، افزایش بدهی‌های خارجی، نرخ تورم و بیکاری بالا و همچنین صرف منابع در بخش ساخت و ساز به‌جای صنایع، معتقد است ریشه این بحران‌ها به دوران بر سر کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ باز می‌گردد. او برخلاف بیشتر ناظران اقتصادی که رویکرد اقتصادی حزب عدالت و توسعه را تا سال ۲۰۱۳ مطلوب می‌دانند، معتقد است ریشه بسیاری از معضله‌های اقتصادی کنونی به مدیریت این حزب باز می‌گردد اما معضلی مانند وابستگی به واردات، افزایش بدهی‌های خارجی و وابستگی به منابع مالی خارجی، معضلی ساختاری در اقتصاد ترکیه بوده و حتی پیش از بر سر کار آمدن حزب عدالت و توسعه وجود داشته‌است.

نویسنده معتقد است ضعف‌های اقتصادی ترکیه تا چند سال پیش به این علت ظهور و بروز علنی چندانی نداشت

که به دلیل سیاست خارجی هم‌راستا با غرب، سرمایه‌های خارجی قابل توجهی از طریق غرب وارد ترکیه می‌شد.

نویسنده راه‌حل خروج ترکیه از وضعیت موجود را پیروی از قواعد و اصول اساسی اقتصاد (اقتصاد بازار) در عرصه اقتصاد کلان می‌داند. او برنامه جدیدی که حکومت برای خروج از وضعیت موجود ارائه کرده را تداوم ذهنیت‌های اردوغان در عرصه اقتصاد کلان می‌داند (در اختلاف با قواعد و اصول اساسی اقتصاد) و آن را محکوم به شکست قلمداد می‌کند.

او عناصر ذهنیت نادرست اردوغان را در موارد زیر می‌داند:

- ۱- باور به استقلال نداشتن بانک مرکزی، باور به اینکه نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات و دادگاه قانون اساسی مانع‌هایی در برابر ابتکار عمل‌های اقتصادی هستند.
- ۲- باور به اینکه اداره عرصه اقتصاد مانند اداره شرکتی تجاری است.
- ۳- باور و اصرار بر اجرای پروژه‌هایی که توجیه اقتصادی ندارند مانند کانال استانبول
- ۴- باور به اینکه نرخ بهره بالا عامل تعیین‌کننده در افزایش تورم است و برای کاهش تورم باید نرخ بهره را کاهش داد.

نویسنده معتقد است اگر ترکیه از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای حل بحران اقتصادی‌اش کمک بخواهد، معضله‌هایی مانند موارد زیر مورد توجه این نهادهای بین‌المللی قرار خواهد گرفت:

- ساختار مصرف و تولید در ترکیه به شدت به خارج وابسته است
- بخش کشاورزی کمتر از ظرفیت خود فعال است
- در عرصه تولید و صنعت عمده محصولات تولیدی دارای ارزش افزوده پایین هستند
- آمار بالای بیکاری در میان اقشار تحصیل کرده معضلات مهم اقتصادی و اجتماعی را سبب می‌شود.



راه حل خروج از بحران

نویسنده معتقد است برای خروج از وضعیت کنونی، به اعمال نظم مالی و سیاست‌های مالی انقباضی نیاز است و صندوق بین‌المللی پول اگر دستورالعملی برای اقتصاد ترکیه صادر کند، بدون تردید ترکیه را به گرفتن سیاست‌های مالی انقباضی دعوت خواهد کرد. چنین دستورالعملی به طور دقیق برخلاف آن چیزی است که اردوغان در ماه‌های گذشته به شدت بر اجرای آن اصرار ورزیده؛ یعنی کاهش نرخ بهره اما به دلیل نزدیک شدن انتخابات ریاست‌جمهوری احتمال درپیش گرفتن سیاست مالی انقباضی از جانب اردوغان غیرممکن خواهد بود.

با توجه به این که تاثیر افزایش نرخ ارزهای خارجی بر افزایش قابل توجه صادرات و کاهش قابل توجه واردات زمان بر خواهد بود، اردوغان برای تامین منابع ارزی موردنظر خود به سوی استقراض خارجی و همین‌طور فروش دارایی‌های دولتی حرکت خواهد کرد.

چنین وضعیتی در نهایت به افزایش هزینه‌های زندگی منجر شده و ابزار مهمی به احزاب مخالف برای انتقاد از حکومت خواهد داد. در نهایت حکومت مجبور خواهد شد بدون افزایش آشکار نرخ بهره به سوی افزایش غیرمستقیم نرخ بهره حرکت کند و وعده حفظ ارزش دلاری حساب‌های مبتنی بر لیر را بدهد (در این چارچوب حکومت اعلام کرده که اگر افراد حقیقی در چارچوبی که حکومت تعیین کرده به پس‌انداز به لیر اقدام کنند، حکومت تضمین می‌دهد که دارایی این افراد با ارزش دلار محاسبه خواهد شد).

نویسنده در کنار سیاست مالی انقباضی راه حل خروج از بحران اقتصادی موجود را در موارد زیر جمع‌آوری کرده‌است:

_ در مدیریت اقتصاد کلان ترکیه به جای حاکمیت، ذهنیت اقتصادی اردوغان باید به سوی ذهنیت علمی و عقل-گرایی اقتصادی حرکت شود.

_ نهادهایی مانند سازمان برنامه دولت که مسئول نگارش بودجه بوده باید طبق اصول پیشین خود و با تکیه بر نیروهای لایق شروع به کار کند.

_ سازمان آمار باید از سیطره سیاست خارج شود و آمار اقتصادی مانند نرخ تورم، درآمد سرانه و نرخ بیکاری را به صورت دقیق ارائه کند.

_ بانک مرکزی بار دیگر از استیلای سیاست خارج شده و به صورت مستقل به منظور کنترل تورم عمل کند.

_ البته کابینه و قوه اجرایی نیز باید در هماهنگی با سیاست‌های مالی منضبط حرکت و حکومت و مجلس باید با مطالعه کارشناسانه دقیق وضعیت موجود، برنامه توسعه پنج ساله جدیدی را ارائه کند.

کاهش عامدانه ارزش لیر

«ارسین دده کوجا» دیگر تحلیلگر اندیشکده «عنقا» کاهش ارزش لیر را سیاستی عامدانه از جانب حکومت می‌داند که هدف از آن، رسیدن به نرخ پول ملی رقابتی در عرصه تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی است تا از این راه ظرفیت‌های صادراتی ترکیه افزایش یابد.^۵ نویسنده معتقد است پیامدهای تورمی تصمیم دولت برای کاهش نرخ بهره و در نتیجه افزایش تورم حداقل تا میانه سال میلادی جاری باقی خواهد ماند.

دده کوجا معتقد است، بخش مهمی از ارزی که پس از بحران جهانی سال ۲۰۰۸ وارد اقتصاد ترکیه شد در نهایت به جای سرمایه‌گذاری در عرصه صنایع و تولید مبتنی بر فناوری پیشرفته به سوی بخش ساخت‌وساز هدایت شده؛ در نتیجه تولید در ترکیه هر چه بیشتر به واردات (کالاهای واسطه‌ای) از خارج وابسته شده و به پیرو آن اقتصاد ترکیه را در برابر نوسان‌های ارزی آسیب‌پذیر کرده است.

در دنیا این امری شناخته شده است که با کاهش ارزش پول ملی یک کشور محصولات صادراتی آن با قیمتی پایین‌تر به فروش می‌رسد و نیز واردات در آن کشور کاهش می‌یابد. در نتیجه چنین وضعیتی می‌تواند تراز تجاری منفی را کاهش دهد. در برخی موارد این روش می‌تواند در برخی مواقع به عنوان ابزاری مفید به منظور کاهش تراز تجاری منفی و تقویت توسعه مبتنی بر صادرات و افزایش اشتغال مورد استفاده قرار گیرد اما این رویکرد عوارض جدی نیز می‌تواند داشته باشد. اگر کاهش ارزش پول ملی قابل توجه و کشور در برابر این کاهش ارزش آسیب‌پذیر باشد، تاثیرهای منفی آن به همان میزان جدی خواهد بود.

نویسنده معتقد است با توجه به این که تولید در ترکیه به واردات مواد اولیه نیاز دارد، در نتیجه نوسان‌های شدید

^۵ <http://ankaenstitusu.com/tirmanan-yukse-kurlarla-nereye/>

نرخ ارز می‌تواند در افزایش جدی هزینه‌های تولید موثر باشد. علاوه بر این اثرات تورمی این افزایش نرخ ارزهای خارجی می‌تواند در نهایت بانک مرکزی را به اتخاذ سیاست‌های انقباضی وادارد که نتیجه آن افزایش رکود و کاهش رشد اقتصادی خواهد بود.

کاهش ارزش پول ملی می‌تواند به افزایش بار بدهی‌های خارجی بخش عمومی اقتصاد منجر شده و توازن بودجه را برهم بزند. شرکت‌های خصوصی نیز متحمل خسارت‌های فراوانی از جانب کاهش ارزش لیر می‌شوند زیرا آن‌ها نیز استقراض خارجی قابل توجهی دارند و افزایش نرخ ارزهای خارجی به معنای افزایش میزان بدهی آن‌ها خواهد بود. **بدهی ناخالص خارجی ترکیه در حدود ۴۴۶ میلیارد دلار است که با هر یک لیر افزایش نرخ دلار بدهی‌های خارجی این کشور ۴۴۶ میلیارد لیر افزایش پیدا می‌کند.**

در واقع با هر افزایش نرخی در ارزهای خارجی، فشار بر مالیات‌دهندگان ترکیه افزایش می‌یابد. دارایی‌های موجود در داخل ترکیه به دلیل کاهش ارزش لیر دچار افت ارزش می‌شوند و ممکن است به راحتی به مالکیت اتباع و شرکت‌های کشورهای دیگر درآیند. کاهش ارزش لیر می‌تواند رقم تولید ناخالص داخلی را که بر مبنای ارزهای خارجی محاسبه می‌شود کاهش داده و رتبه‌بندی اقتصاد ترکیه در میان اقتصادهای مختلف را کاهش دهد.

این کاهش تولید ناخالص داخلی به کاهش درآمد سرانه افراد منجر می‌شود و به فقیرتر شدن اتباع ترکیه در سطح جهانی می‌انجامد. کاهش ارزش لیر تاثیرهای روانی نامطلوبی نیز دارد و در نزد افکار عمومی داخل و خارج به عنوان ضعف اقتصادی تعبیر می‌شود و همین امر بر اعتماد سرمایه‌گذاران به اقتصاد ترکیه اثر می‌گذارد.

نویسنده معتقد است افزایش نرخ ارزهای خارجی برای کاهش واردات می‌تواند گزینه‌ای قابل توجه باشد اما باید به ساختار تجارت خارجی هر کشور و کالاهای وارداتی آن کشور توجه شود. در کشوری مانند ترکیه که به واردات به شدت وابسته است، افزایش نرخ ارزهای خارجی می‌تواند به افزایش قیمت کالاهای وارداتی و افزایش تورم بیانجامد.

اقتصاد ترکیه در ماه نوامبر (آبان) ۲۰۲۱ در همسنگی با نوامبر ۲۰۲۰ حدود ۳۳ درصد به صادرات خود افزوده و به رقم ۲۱ میلیارد دلار رسیده است. این حجم از صادرات بالاترین میزان صادرات ماهانه ترکیه تاکنون بوده اما از طرف دیگر واردات ترکیه در این ماه نسبت به نوامبر سال ۲۰۲۰، حدود ۲۶ درصد افزایش یافته است. در ماه نوامبر ۲۰۲۱ حجم واردات ترکیه به ۲۶ میلیارد دلار رسیده است. باید توجه داشت که در سال پیش از آن به دلیل وجود محدودیت‌های کرونایی، حجم صادرات اقتصادهای بزرگ دنیا کاهش چشمگیری داشت. واردات ترکیه نیز در سال ۲۰۲۱ رشد ۲۲ درصدی داشته و به ۲۴۲ میلیارد دلار رسیده است (در برابر صادرات ۲۲۰ میلیاردی). افزایش قیمت انرژی و حمل و نقل در این میان بسیار موثر بوده است. نزدیک به ۸۰ درصد از واردات

ترکیه را مواد خام و کالاهای واسطه‌ای تشکیل می‌دهد. این وضعیت نشانگر آن است که ترکیه برای توسعه و افزایش صادرات و نیز افزایش نرخ اشتغال به افزایش واردات نیاز دارد.

نویسنده معتقد است افزایش نرخ ارزهای خارجی باعث افزایش نرخ کالاهای وارداتی و در نتیجه افزایش نرخ کالاهای صادراتی می‌شود. نویسنده استدلال می‌کند که افزایش نرخ ارزهای خارجی منجر به افزایش نرخ خدمات نیز شده و حتی آشفتگی‌های جدی در عرصه تعیین قیمت‌ها را بوجود می‌آورد. وی معتقد است به طور صرف، حوزه‌هایی از قیمت‌های انرژی تأثیر نمی‌پذیرند که از افزایش نرخ ارزهای خارجی متأثر می‌شوند؛ حتی بخش مواد غذایی نیز به دلیل وابستگی به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای به شدت تحت تأثیر افزایش نرخ ارز قرار می‌گیرند.

نویسنده گزارش اندیشکده عنقا معتقد است اصرار حکومت بر کاهش نرخ بهره در شرایطی که شاخص‌های اقتصادی در حال بدتر شدن است به سود مردم ترکیه نخواهد بود زیرا عمده کاهشی که در نرخ بهره مشاهده می‌شود در نهایت به افزایش ورود سرمایه به عرصه خرید خانه و رونق بخشیدن دوباره به بازار خرید و فروش خانه‌های نوساز ساخته‌شده توسط کارآفرینانی منجر می‌شود که به طور عمده نزدیک به حکومت‌اند. از نگاه وی، برنامه جدید اقتصادی مورد ادعای اردوغان از اجزای نرخ بهره پایین، نرخ ارز بالا، تولید، صادرات، سرمایه‌گذاری و اشتغال تشکیل شده‌است. مجری اصلی این برنامه نیز بانک مرکزی ترکیه است.

ترکیه در سال ۲۰۱۸ نیز تجربه سقوط ارزش لیر و کاهش نرخ بهره را تجربه کرده‌بود که در آن صنایع ترکیه به دلیل رقابت‌پذیری که نرخ‌های کالایشان بدست آورده‌بود، افزایش قابل توجهی در میزان سود خود داشتند. از سوی دیگر در آن دوره نیز نرخ بالای تورم در اقتصاد ترکیه مشاهده شد.

به نظر می‌رسد در مدل اقتصادی که حکومت به دنبال عملی کردن آن است بیش از آن که مهار تورم مورد توجه باشد، رشد اقتصادی مورد توجه است.

حکومت امیدوار است با تداوم بیش از یکساله این رشد، تاثیرهای مثبت در عرصه اشتغال آشکار شود. حکومت همچنین امیدوار است با تداوم رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌ها نیز افزایش یابد زیرا با افزایش نرخ ارزهای خارجی و کاهش ارزش لیر، ورود سرمایه برای خرید دارایی‌های موجود در ترکیه افزایش خواهد یافت.

نویسنده بر این باور است که برای فهم موفقیت‌آمیز بودن برنامه اقتصادی جدید به ۳ تا ۶ ماه نیاز است. برای این منظور توجه به شاخص‌های تورم، نرخ بهره، اشتغال، و نرخ ارزهای خارجی ضروری خواهد بود. اگر این شاخص‌ها تا ۶ ماه آینده به طور مجدد وضعیت نامطلوب‌تری یابند، می‌توان ادعا کرد که برنامه اقتصادی جدید شکست خورده است.

او معتقد است با توجه به این که تولید و تجارت خارجی کشور به واردات وابسته بوده و استقراض خارجی قابل توجهی نیز با ارزشهای خارجی انجام گرفته و می‌گیرد، در نتیجه استراتژی مبتنی بر نرخ بهره پایین و نرخ ارز بالا در نهایت محکوم به ناکامی است.

نویسنده مدعی است چنین سیاستی مزیت‌های نسبی اقتصاد ترکیه را از میان برده و طبقات متوسط و متوسط به پایین را فقیرتر می‌کند. او تاکید می‌کند میزان افزایش نرخ ارزهای خارجی بسیار شدید بوده و به واسطه شدت بالای آن ضررهای آن بیشتر از فایده‌های آن خواهد بود. سیاست نرخ بهره پایین و کاهش شدید ارزش لیر مانند برخی کشورهای شرق آسیا مزیت نسبی نیروی کار ارزان را به ارمغان خواهد آورد که چیزی جز کاهش استانداردهای زندگی در ترکیه برای بخش مهمی از جامعه را در پی نخواهد داشت.

اگرچه منابع نزدیک به حکومت مدعی‌اند کاهش ارزش لیر می‌تواند به ورود هرچه بیشتر سرمایه برای تملک دارایی‌ها در ترکیه منجر شود اما نباید فراموش کرد که نوسان‌های شدید ارزی در یک کشور در نقطه مقابل ثبات قرار داشته و امکان برنامه‌ریزی اقتصادی را از بین می‌برد. اگر سرمایه‌گذاری به این نتیجه برسد که دارایی خریداری شده از جانب او پس از مدتی با کاهش ارزش روبرو خواهد شد، بی‌شک در خرید خود دچار تردید خواهد شد. به طور صرف در شرایطی می‌توان از امکان جذابیت خرید دارایی‌ها در کشوری سخن گفت که پس از کاهش ارزش پول ملی، وضعیت ارز به ثبات قابل قبولی برسد.

بخش رسانه‌ها

الگوی مالزی

در یکی از گزارش‌های تحلیلی سایت «پرسپکتیو» (Perspektif) اشاره شده^۶ که برخی‌ها سیاست کاهش نرخ بهره، کاهش ارزش پول ملی و توسعه مبتنی بر صادرات را که مورد ادعای حکومت است با الگوی چینی از توسعه مقایسه می‌کنند. برخی نیز آن را با سیاست‌های مالزی در سال ۱۹۹۷ که در راستای خروج از بحران مالی شرق آسیا بود، مورد قیاس قرار می‌دهند.

مالزی در سال ۱۹۹۸ برخلاف دیدگاه‌های ارتودکس اقتصادی و با وجود افزایش نرخ ارزهای خارجی اقدام به کاهش نرخ بهره کرد و بر افزایش تولید متمرکز شد. دولت موانعی جدی در برابر خروج سرمایه از کشور ایجاد کرد. مالزی تا سال ۲۰۰۵ به سیاست نرخ بهره پایین و ثابت نگاه داشتن نرخ ارزهای خارجی و نیز جلوگیری از خروج سرمایه ادامه داد و موضوع تولید و افزایش صادرات را به‌طور جدی در دستور کار خود قرار داد. مالزی در

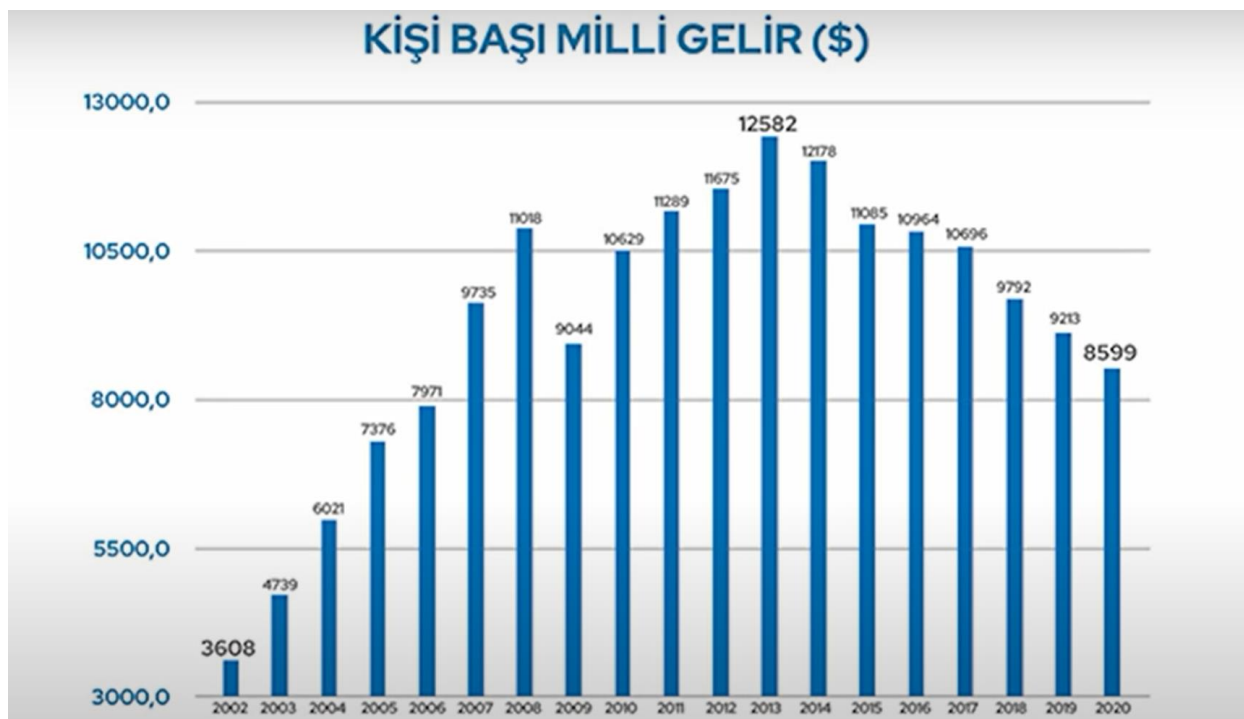
^۶ <https://www.perspektif.online/made-in-turkiye-yeni-turkiye-markasinin-ekonomi-politigi/>

نتیجه چنین رویکردی، از سال ۱۹۹۹ با تراز تجاری مثبت مواجه بوده اما سوال اساسی برای تحلیلگر سایت پرسپکتیو از این قرار است که آیا مدل مالزی برای ترکیه جوابگو خواهد بود؟

نویسنده معتقد است برای موفقیت این روش در ترکیه برخی موانع ساختاری وجود دارد. تورم بالای موجود در ترکیه می‌تواند بر افزایش قیمت تمام‌شده کالاها موثر باشد و صادرات را به صورت منفی مورد تاثیر قرار دهد. از طرفی دیگر سیاست‌های مالی انبساطی که محرک تقاضاست، ممکن است به افزایش واردات بیانجامد و در نهایت هدف حکومت برای مثبت شدن تراز تجاری به نتیجه‌ای نرسد.

وابستگی جدی ترکیه به واردات انرژی و همین‌طور افزایش جدی در قیمت جهانی انرژی در ماه‌های گذشته توان رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی را در ترکیه کاهش می‌دهد. وابستگی جدی ترکیه به واردات کالاهای واسطه برای تولید محصول صادراتی یکی دیگر از نقاط ضعف این کشور برای تولید محصولات رقابتی است.

ترکیه مانند مالزی توانایی و قابلیت بالایی برای جلوگیری از خروج سرمایه‌های موجود در کشور را ندارد. از سوی دیگر با این‌که ادعا می‌شود حکومت به طور عمدی و به منظور رقابت‌پذیری در عرصه صادرات به دنبال کاهش ارزش لیر بوده، با این حال در هفته‌های گذشته بارها دیده شده که بانک مرکزی با تزریق ارز به بازار به دنبال کاهش نرخ ارزهای خارجی بوده و هر گاهشی در این زمینه به‌عنوان موفقیت حکومت قلمداد شده‌است. این امر خود نشانی از تناقض در رویکرد دولت دارد. همچنین با توجه به این‌که ترکیه در سال‌های قبل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زمینه فناوری‌های پیشرفته نداشته و صنایع آن از تولید کالاهایی با ارزش افزوده بالا عاجز هستند در نتیجه امکان رسیدن ترکیه به سطح قابل توجهی از رفاه و توسعه در کوتاه مدت چندان ممکن نخواهد بود و ترکیه در آینده کوتاه مدت همچنان در دام درآمد متوسط گرفتار خواهد ماند.



(درآمد سرانه ترکیه به دلار از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰)

نتیجه‌گیری

برنامه اقتصادی جدید صادرات محوری که با شعارهای ملی‌گرایانه و حتی اسلامی آراسته شده، نیم‌نگاهی به احساسات ملی‌گرایانه و محافظه‌کارانه بخش بزرگی از جامعه ترکیه دارد اما تجربه دو دهه قبل در ترکیه ثابت کرده مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در افزایش و کاهش آرای حزب عدالت و توسعه، موضوع اقتصاد و وضعیت رفاهی شهروندان است.

بحران ارزی موجود در ترکیه از جهت‌هایی به بحران ارزی رخ داده در سال ۲۰۱۸ شباهت دارد. در آن دوران نیز حکومت به سوی سیاست کاهش نرخ بهره و تحریک تقاضای داخلی از طریق سیاست مالی انبساطی حرکت کرد. اگرچه کاهش ارزش لیر در آن دوران به افزایش صادرات و نیز افزایش آمار گردشگران خارجی منجر شد اما در نهایت تورم حاصل از سیاست‌های اقتصادی دولت نتیجه‌ای به جز کاهش درآمد سرانه و کم‌تر شدن قدرت خرید شهروندان ترکیه نداشت.

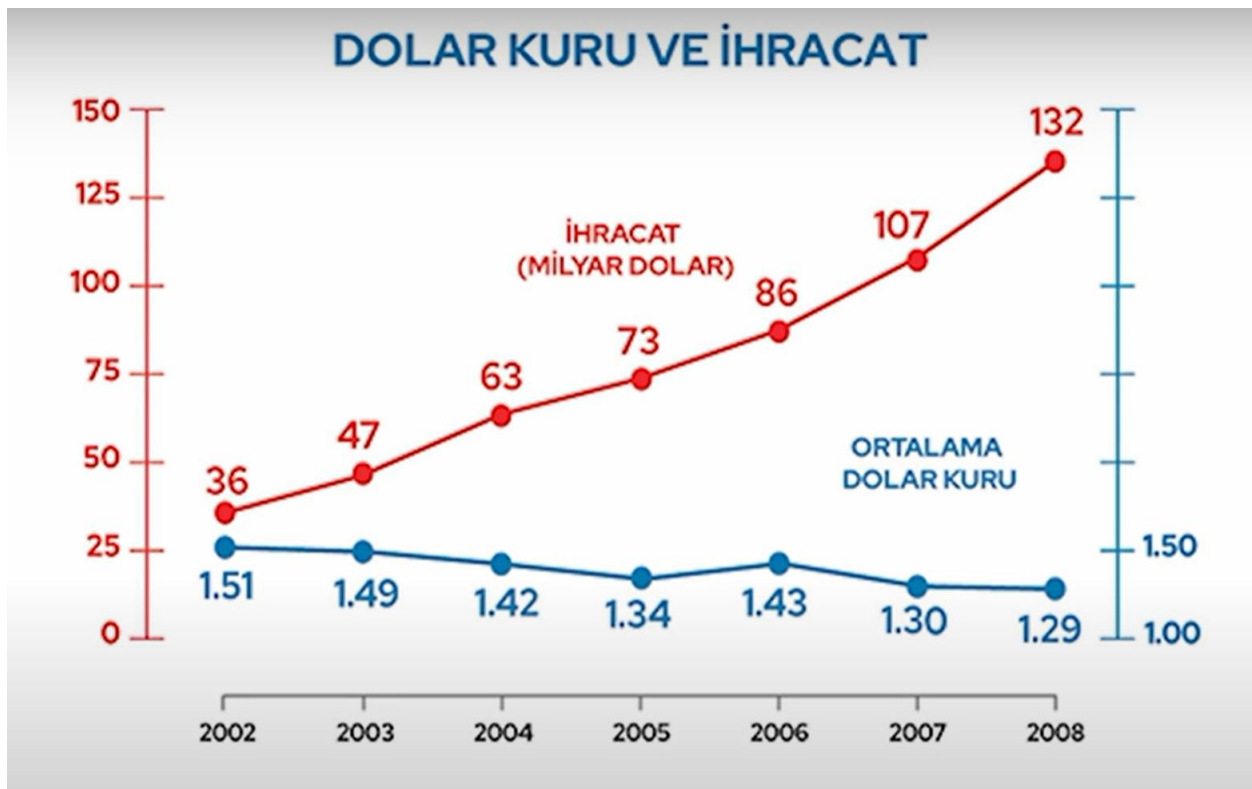
تجربه اقتصادی ترکیه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ نیز نشان داد که این کشور می‌تواند با درپیش گرفتن سیاست مالی منضبط و حفظ ارزش لیر به رشد اقتصادی قابل توجه برسد و با سیاست‌های تورم‌زا درآمد سرانه و رفاه شهروندان را قربانی توسعه اقتصادی و رشد تولید و صادرات نگرداند.

درحالی‌که در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ نرخ دلار در حدود ۱,۵ لیر بوده، صادرات ترکیه از ۳۶ میلیارد دلار به ۱۳۲ میلیارد دلار افزایش یافت. و به‌طور هم‌زمان درآمد سرانه از ۳۶۰۰ دلار به ۱۱۰۰۰ دلار رسید. این نشان

می‌دهد که ترکیه در دوراهی انتخاب میان کاهش تورم و توسعه قرار ندارد و با سیاست‌های حساب شده می‌تواند در عین کنترل تورم به سوی رشد اقتصاد و تولید حرکت کند. از این رو نویسنده این سطور باور دارد نمی‌توان آنچه که برنامه اقتصادی جدید حکومت (توسعه صادرات محور) خوانده می‌شود را تماما حساب شده و از پیش برنامه‌ریزی شده تصور کرد. تناقض‌ها در عملکرد اقتصادی حکومت مانند آنچه که در کنترل نرخ ارز مشاهده شد، دلیلی بر این استدلال است.

آشکار است که بی‌تدبیری حکومت در عرصه اقتصاد و شکل‌گیری تورم افسارگسیخته و گسترش فقر در جامعه، حکومت را وادار به تولید روایتی برای توجیه وضعیت کنونی کرده؛ این روایت عبارت است از تاکید بر توسعه صادرات محور و رشد ترکیه که ممکن است در این راه هزینه‌ها و مشکل‌هایی را نیز برای شهروندان این کشور ایجاد کند.

حکومت امیدوار است از طریق این روایت، پایگاه حامیان خود را برای پذیرش وضعیت موجود اقناع و مخالفانش را با اتهام مخالفت با توسعه ترکیه منزوی و کنترل کند اما در این میان باید سهمی را نیز برای برنامه‌ریزی پیشینی در شکل‌گیری وضعیت موجود قائل بود. به این معنا که بخشی از وضعیت موجود و کاهش ارزش لیر به منظور افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ترکیه‌ای در جهان و افزایش صادرات و جذب ارزهای خارجی صورت گرفته است.



(نمودار آبی نرخ دلار از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ و نمودار قرمز میزان صادرات سالانه ترکیه به میلیارد دلار)

به نظر می‌رسد در چشم‌انداز پیش‌رو، توان رقابت کالاهای ترکیه‌ای با کالاهای ایرانی افزایش خواهد یافت. عرصه عمده‌ای که صادرات ترکیه بر آن تمرکز دارد عبارت است از پوشاک، لوازم خانگی، قطعات خودرو، و لوازم بهداشتی.

با توجه به تصویر کلی از اقتصاد ایران، و روابط تجاری ایران و ترکیه، عمده‌ترین حوزه‌ای که می‌تواند تولید داخل را در ایران مورد چالش قرار دهد، پوشاک است. با توجه به اینکه امکان نظارت‌های جدی در این عرصه نیز محدود است به نظر می‌رسد در آینده نزدیک حجم واردات پوشاک از ترکیه افزایش یابد.

نخستین راه‌حل در این میان، روش‌های مقابله با قاچاق و تعزیرات صنفی است که می‌تواند مانع از ورود بی‌رویه بخشی از پوشاک ترکیه‌ای به ایران شود. از سوی دیگر کاهش ارزش لیر جذابیت سفر به ترکیه را در نزد شهروندان ایران افزایش خواهد داد و به نظر می‌رسد ماه‌های آینده (در صورت عدم بروز مشکلات خاص مانند بدتر شدن وضعیت کرونا) آمار گردشگران ایرانی در ترکیه به آمار پیش از شیوع کرونا نزدیک شود. از سوی دیگر، ترکیه همچنان عنوان مقصدی ارزان برای زندگی شهروندان طبقه متوسط ایرانی است و کاهش ارزش لیر می‌تواند انگیزه آنان برای خرید مستغلات در این کشور، تداوم حضور و نیز شروع کسب و کار در ترکیه را افزایش دهد.